

## تحلیل عوامل موثر بر کیفیت زندگی در نواحی شهری مطالعه موردی: شهر کوهدشت

میرعلی شفیعی عربی<sup>۱</sup>، فرشاد سوری<sup>۲</sup>، مجتبی بهرامی<sup>۳</sup>

### چکیده

مطالعه کیفیت زندگی در حال تبدیل شدن به ابزار مهمی برای ارزیابی سیاست‌های عمومی، رتبه بندی مکانها، درک و اولویت بندی مسائل اجتماعی، تدوین و پایش سیاستها و استراتژیهای مدیریت و برنامه ریزی شهری است. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل عوامل موثر بر کیفیت زندگی در شهر کوهدشت استان لرستان پرداخته است. این پژوهش از نوع کاربردی و کمی می باشد که روش تحقیق آن از نوع توصیفی-تحلیلی و همبستگی است و برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از تلفیق روش کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌های میدانی، پرسشنامه محقق ساخته بود که برای سنجش دو بعد اصلی کیفیت زندگی یعنی بعد ذهنی و بعد عینی تنظیم شده است. حجم نمونه تعداد ۱۹۴ خانوار می باشد که افراد نمونه با فرصت انتخاب برابر و روش طبقه‌ای با نسبت متناسب از نقاط و شهرکهای مختلف شهر انتخاب گردیدند. نتایج تحلیل یافته‌ها که با نرم افزار SPSS انجام شد حاکی از رضایت پایین شهروندان از میزان کیفیت زندگی در این شهر می باشد. در ادامه مشخص شد که عامل درآمد با افزایش کیفیت زندگی در این شهر رابطه مثبت و مستقیمی دارد. بنابراین مهمترین عامل تأثیر گذر بر کیفیت زندگی در شهر کوهدشت "وضعیت اقتصادی خانوارها" می باشد که بر معرف‌هایی همچون رضایت از درآمد، احساس امنیت شغلی، توزیع عادلانه ثروت و درآمد اثر گذار می باشد.

**واژگان کلیدی:** کیفیت زندگی، بعد ذهنی، بعد عینی، شهروندان، کوهدشت.

۱. استادیار برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای دانشگاه تهران farshadsoory@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

شهرهای دیروز به متروپلیس‌ها و متروپلیس‌ها به مگالاپلیس‌ها تبدیل شده‌اند و از این رو پدیده شهرنشینی اجتناب‌ناپذیر و غیر قابل برگشت است (رضایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). نواحی شهری مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در هر کشوری هستند و خود را به عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند. در عین حال، این نواحی با چالش‌های مهمی نیز در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، کمبود مسکن، ترافیک و حاشیه‌نشینی روبرو هستند که این مشکلات کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهند. با این وجود سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در سطوح ملی و بین‌المللی بر قابلیت شهرها برای بهبود کیفیت زندگی انسانها تأکید دارند. اگرچه هیچ توافقی در مورد تعریف کیفیت زندگی وجود ندارد، اما بیشتر محققان بر این باورند که کیفیت زندگی، سازه‌ای چندبعدی و شامل جنبه‌های روانی، اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی است (داس، ۲۰۰۸). بنابراین، سنجش کیفیت زندگی وظیفه‌ای پیچیده و مشکل است، زیرا کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی، متشکل از شرایط عینی زندگی و بهزیستی ذهنی است. بُعد عینی کیفیت زندگی، وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نمایش می‌دهد، اما بُعد ذهنی آن شامل ادراکات و ارزشیابی‌های افراد از وضعیت زندگی‌شان می‌باشد. کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص‌های عینی یا شاخص‌های ذهنی و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص اندازه‌گیری می‌شود (رضوانی و همکاران، ۲۰۰۸). شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنین از زندگی شهری بدست می‌آیند، در حالیکه شاخص‌های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده‌های ثانویه بدست می‌آیند. به طور کلی هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت زندگی شهری، اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از مفهوم کمی به مفهوم توسعه پایدار شهری بوده است (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۴: ۸). کشور ایران به عنوان یک کشور آسیایی در حال توسعه، از رشد بالایی در زمینه نسبت جمعیت شهری و همچنین تعداد شهرها برخوردار

است، به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۰ جمعیت شهرنشین کشور به ۷۱ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). این در حالی است که در ایران و نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری آن به موضوع کیفیت زندگی شهری توجه بسیار اندکی شده است، از سوی دیگر، بالاترین هدف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است (قربانی و تیموری، ۱۳۸۹: ۴۹). بر خلاف بسیاری از کشورهای دیگر، حتی مرجع و سازمان مشخصی برای ارائه و پایش مسائل، محورها، شاخصها و اندازه‌گیری سطوح رضایت و کیفیت زندگی شهروندان (بخصوص در شهرها به عنوان کانون اصلی زیست و زندگی انسانی) و مسائل و مشکلات در ارتباط با آن وجود نداشته و ندارد (وظیفه دوست و امینی، ۱۳۸۸: ۲). شهر کوهدشت به عنوان مرکز این شهرستان با برخورداری از ۲۷۴۸۰ خانوار، یکی از مناطق شهری کشور است که در طی روند افزایش جمعیت شهرها صاحب جمعیت کنونی شده است و به همین دلیل به عنوان هدف بررسی در پژوهش حاضر انتخاب شده تا شاخص‌های اصلی توسعه شهری که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر کیفیت زندگی ساکنان آن تأثیرگذار هستند را مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سوالات زیر تدوین شده است:

۱. وضعیت کیفیت زندگی در دو بعد ذهنی و عینی در بین شهروندان شهر کوهدشت چگونه می‌باشد؟
۲. آیا بین ویژگی‌های فردی (وضعیت تاهل، بعد خانوار، درآمد و تحصیلات) پاسخ دهندگان و کیفیت زندگی آنها رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. از میان عوامل موثر بر سطح کیفیت زندگی در شهر کوهدشت کدام عامل بیشترین همبستگی با کیفیت زندگی افراد را دارا می‌باشد؟

### چشم انداز نظری و ادبیات تحقیق

قرن‌هاست که مردم به طور ذاتی به دنبال یک زندگی خوب بوده‌اند و در این راستا برای بهبود شرایط زیست خود سعی می‌کردند تا از استعداد، توانمندیها و ظرفیتهای

خود حداکثر بهره‌برداری را بنمایند. از این رو همواره مسئله اصلی این بوده که زندگی مطلوب و با کیفیت چگونه زندگی ای است؟ (اوتق، ۱۳۸۴: ۴). شاخص امروزه پیشرفت یک اجتماع، کیفیت زندگی است. این اصطلاح در برگیرنده مهم ترین عواملی است که شرایط زندگی در جامعه و رفاه شخصی افراد را تعیین می‌کند. طی دهه‌های اخیر، کیفیت زندگی یکی از اساسی‌ترین نکات مورد توجه در علوم اجتماعی بوده و برای ارزیابی پارامترهای مادی توسعه اقتصادی و تولیدات داخلی در کنار پارامترهای غیر مادی چون کیفیت کار، سطح باسوادی و فرهنگ، استاندارد پزشکی و بهداشت، کیفیت فراغت و تفریح، شرایط محیط زیست، جو سیاسی، احساس خوشبختی انفرادی و حتی آزادی و اتحاد ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند (حریرچی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۲). بحث درباره مفهوم و معانی کیفیت زندگی مبحث جدیدی نبوده و در دوران یونان باستان، افلاطون و ارسطو نظریاتی درباره آن مطرح کرده‌اند (پوکلینه، ۲۰۰۹). کیفیت زندگی دو رویکرد عمده دارد: رویکرد عینی و رویکرد ذهنی (لی، ۲۰۰۸). طی دهه‌های قبل، بیشتر محققان جهت سنجش میزان کیفیت زندگی بر ابعاد عینی مانند سطح درآمد، میزان دارایی و میزان مصرف افراد تاکید داشتند و آنها را به عنوان شاخص‌های بهزیستی و تندرستی افراد مورد توجه قرار می‌دادند؛ اما در طی سال‌های اخیر بسیاری از محققان جهت شناخت میزان کیفیت زندگی بر ابعاد ذهنی در کنار ابعاد عینی توجه می‌کنند (بونکه، ۲۰۰۷؛ فری، ۲۰۰۲ و استیگلیز، ۲۰۰۹). شاخص‌های عینی کیفیت زندگی بر اساس فراوانی یا کمیت فیزیکی (مانند درآمد، دسترسی به خدمات مناسب) مورد سنجش قرار می‌گیرند، اما شاخص‌های ذهنی بر اساس پاسخ‌های روانی مانند رضایت شغلی و خوشحالی و به صورت کیفی اندازه‌گیری می‌شود (خوارزمی، ۲۰۰۵). تفاوت میان کیفیت زندگی عینی و ذهنی را می‌توان تمایز میان رفتار و ادراک و تمایز میان کمیت و کیفیت هم دانست (مخرجی، ۱۳۸۷، برگرفته از نوغانی و همکاران، ۱۳۸۹). مفهوم کیفیت زندگی چند مشخصه دارد: الف: تنها به زندگی انسانی ارجاع دارد. ب: به ندرت در (صیغه) جمع به کار رفته (یعنی به صورت کیفیات زندگی) است. ج: به عنوان

یک عبارت عام و غیر قابل تقسیم می باشد که معنایش می تواند ناب و خالص باشد. د: مشکل است که آن را به هر رده مجزا از علوم مرتبط با جامعه شناسی طبقه بندی نمود (دیسارت، ۲۰۰۰). رامنی، براون و فرای (۱۹۹۴) بر اساس موارد ذیل کوشیده اند تا توضیح دهند چرا تعریف جهان شمول و پذیرفته‌ای از کیفیت زندگی وجود ندارد:

۱- فرآیندهای درونی و ذهنی وابسته به تجارب کیفیت زندگی می‌توانند از طریق فیلترها (و دیدگاهها) و بیانهای مختلف توضیح داده و تفسیر شوند؛

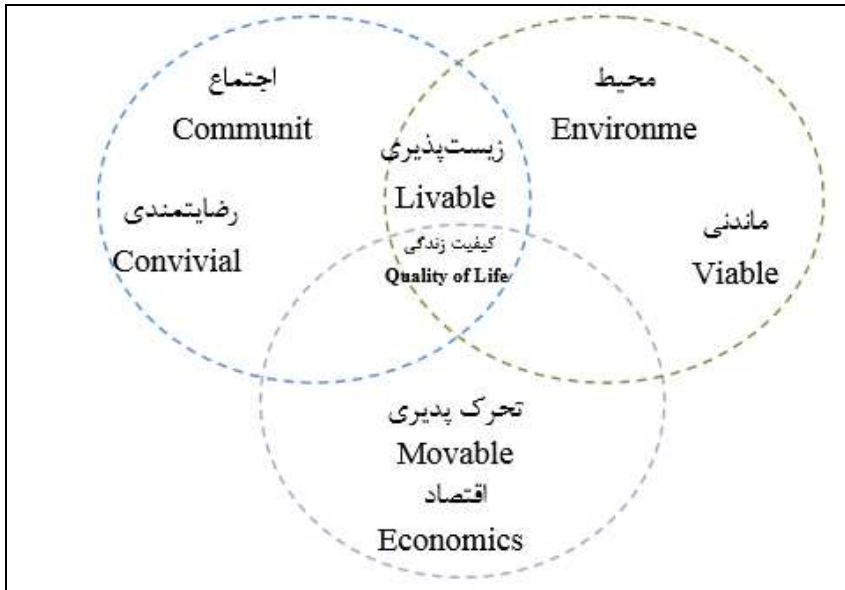
۲- مفهوم کیفیت زندگی به میزان قابل توجهی مبهم است؛

۳- مفهوم کیفیت زندگی، فرآیندهای توسعه‌ای، میانگین امید به زندگی افراد در جوامعشان و گستره‌ای که این فرآیندهای روانشناختی تحت تاثیر عوامل محیطی و نظامهای ارزش (گذاری) انفرادی هستند، را در بر دارد.

تئوریه‌ها و مطالعات تجربی کیفیت زندگی، عمدتاً از جوامع غربی نشات گرفته‌اند. محققینی از رشته‌های متفاوت علمی، مفهوم کیفیت زندگی را از دهه ۱۹۳۰ تا کنون مطالعه نموده‌اند (اولنگین، ۲۰۰۱). اما تحقیقات و تلاشهای اولیه در زمینه کیفیت زندگی شهری و شاخص‌های آن، از دانش پژوهان جهانی غربی (کمپ بل، کاورز و رودگرز در سال ۱۹۷۶، گرین، وروف و فلد در سال ۱۹۶۰ و ...) که در رشته‌های مختلفی از قبیل: جامعه شناسی و روان شناسی مشغول فعالیت بوده‌اند آغاز شده است (توان، ۲۰۰۰)، که سعی در یافتن شاخصها و محورهایی در ارتباط با میزان سلامت و بهره‌مندیهای اجتماعی و روانی افراد ساکن در شهرها داشته‌اند. یکی از عوامل مهم در بهبود کیفیت زندگی در میان جوامع انسانی، استاندارد بودن محل زندگی انسانها از نظر بهداشت، اشتغال، محیط زیست و کالبد می‌باشد، به طوری که رضایت از ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی و فیزیکی محل زندگی بر رضایت از زندگی و کیفیت زندگی افراد تاثیرگذار است (سیرگی، ۲۰۰۰ و سیرگی، ۲۰۰۲). نتایج تحقیقات برخی از محققان نشان می‌دهد که رابطه مثبتی میان خدمات (مانند مسکن، حمل و نقل، بهداشت) و کیفیت زندگی افراد وجود داشته و به تبع افزایش خدمات کیفیت زندگی افراد نیز

بهبود می‌یابد (اپلی، ۲۰۰۸). این امر به خصوص در کشورهای در حال توسعه دارای نمود بیشتری می‌باشد (کاسکانت، ۲۰۱۰). همانطوری که ذکر آن رفت، کیفیت زندگی شهری معمولاً هم توسط شاخصهای ذهنی و با استفاده از پیمایشهایی در جهت جمع-آوری ادراکات ذهنی و ارزیابی‌ها و میزان رضایت شهروندان از زندگی شهری و هم توسط شاخصهای عینی و با استفاده از داده‌های ثانویه و وزن دهی مربوط به هر شاخص در محیط شهری انجام می‌پذیرد (مک کرآ و همکاران، ۲۰۰۶). مطالعه کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری به گستره وسیعی از پیش فرض‌هایی متکی است که گستردگی آنها در اندازه‌های گوناگونی است که در کیفیت زندگی میان افراد، گروهها یا مکانها می‌تواند تشخیص داده شود و سپس تدابیر تجویز شده می‌تواند تفاوتها و اختلافات مربوط به آن را ریشه کن نماید (خواجه شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۹). یکی از این پیش فرضها که برای تبیین مفهوم کیفیت زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد مدلی است که توسط شیفر و همکارانش در سال ۲۰۰۰ میلادی ارائه گردید. در این مدل بر سه قلمرو اجتماع، محیط و اقتصاد تأکید شده است. مزیت این مدل این است که تقابل بین قلمروها صریحاً معین گردیده و تصویری از مفاهیم زیست‌پذیری، کیفیت زندگی و پایداری در ارتباط متقابل با همدیگر بیان گردیده است (کمپ و همکاران، ۲۰۰۳). از سوی دیگر، کیفیت زندگی به عنوان یک اصطلاح کلی، مفهومی برای نشان دادن چگونگی برآورده شدن نیازهای انسانی و هم چنین معیاری برای ادراک رضایت و عدم رضایت افراد و گروهها از ابعاد مختلف زندگی است.

از این رو تحقیقات و مطالعات اخیر کیفیت زندگی بر دو روش شناسی عمده متمرکز بوده‌اند: روش اول، شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی قابل سنجش (ابعاد عینی) را برای انعکاس میزان برآورده شدن نیازهای انسانی به کار می‌گیرد و روش دوم سطوح شادکامی و رضایتمندی (ابعاد ذهنی) را براساس گزارشات شخصی افراد از تجارب زندگی نشان می‌دهد، که "بهبودی ذهنی" نامیده می‌شود.



شکل ۱: مدل عوامل سهیم در کیفیت زندگی از دیدگاه اکولوژی انسانی

(کمپ و همکاران، ۲۰۰۳)

با توجه به مطالعات مختلف مربوط به کیفیت زندگی از سوی محققان رشته‌های مختلف، روش‌های گوناگونی برای مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است. با این وجود، تا کنون چارچوب جامعی برای مطالعه کیفیت زندگی به صورت یکپارچه و کل گرایانه و متکی بر شاخص‌های فیزیکی، مکانی و اجتماعی ارائه نشده است (کمپ و همکاران، ۲۰۰۳). نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع را برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تسهیل سازد. همچنین یافته‌های کیفیت زندگی می‌تواند برای بازشناسی استراتژی‌های سیاسی قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه‌ریزی آینده استفاده شوند (لی، ۲۰۰۸). علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسئله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارآیی سیاست‌ها و استراتژیها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند. در این راستا، سانتوس و

مارتینز (۲۰۰۷) اشاره می‌کنند که مشارکت اجتماع محلی در مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند پشتیبان مهمی برای تعیین سیاست‌ها و اهداف بلندمدت باشد. لی و ونگ (۲۰۰۷) با استفاده از شاخصهای عینی به مطالعه کیفیت زندگی در شهر ایندیاناپولیس پرداختند. هدف اصلی این مطالعه ارائه روشی برای تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش از دور چارچوب GIS برای ارزیابی کیفیت زندگی در شهر ایندیاناپولیس بود. برای استخراج فاکتورهای غیر همبسته کیفیت زندگی، از تحلیل عاملی استفاده شده و شاخص ترکیبی کیفیت زندگی براساس وزن دهی فاکتورها با استفاده از امتیازات بدست آمده از تحلیل عاملی ایجاد شده است. لی (۲۰۰۸) با استفاده از شاخصهای ذهنی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه پرداخته است. در این راستا ۳۳۱ نفر از ساکنین شهر تایپه به منظور پیمایش ارزیابی ذهنی ساکنین از کیفیت زندگی مورد مطالعه گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که محل زندگی، زناشویی، سن، تحصیلات، و درآمد قلمروهای مختلف رضایت را تحت تاثیر قرار می‌دهند. علاوه بر آن، وضعیت اجتماع، تعلقات محلی و رضایت از محله بیشترین تاثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارند. محققان دیگری همچون فو (۲۰۰۰)، برامسون و همکاران ۲ (۲۰۰۲)، ابراهیم و چانگ ۳ (۲۰۰۳) نیز با استفاده از شاخصهای ذهنی به بررسی و مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری پرداخته‌اند. داس (۲۰۰۸) چارچوب مفهومی برای سنجش کیفیت زندگی شهری پیشنهاد کرده که ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی را نشان می‌دهد. این مدل رویکردی پایین به بالا را پیشنهاد می‌کند که در آن هر دوی شاخصهای عینی و ذهنی برای مطالعه کیفیت کلی زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این چارچوب محیط خارجی زندگی، یعنی بعد عینی را با ادراک افراد از محیط زندگیشان یعنی بعد ذهنی ترکیب می‌کند. محققان دیگری از قبیل مک کرا و همکاران ۴ (۲۰۰۶)، هیگز ۵ (۲۰۰۷)،

- 
- 1 . Foo
  2. Bramston et al
  - 3 . Ibrahim and Chang
  - 4 . Mccrea et al
  - 5 . Higgs



برتون و همکاران (۲۰۰۸) و روجاس (۲۰۰۸) نیز با استفاده از شاخصهای عینی و ذهنی به مطالعه کیفیت زندگی پرداخته‌اند. روجاس (۲۰۰۸) هفت قلمرو زندگی شامل سلامت، اقتصاد، شغل، خانواده، دوستان، خود و اجتماع را مورد استفاده قرار داده است. در حالیکه لی (۲۰۰۸) از پنج قلمرو زندگی شامل خدمات مدنی، رضایت از همسایه ها، وضعیت اجتماع، ارزیابی محیطی محله و دلبستگی محلی استفاده کرده است.

در عین حال در گزارشات و پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری بسیاری، به مفهوم کیفیت زندگی شهری، چه به عنوان نتیجه و حاصل پروژه و چه به عنوان بررسی وضعیت موجود اشاره می‌شود (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۱). زبردست (۱۳۸۷) به بررسی قلمرو مسکن کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در سکونتگاههای حاشیه کلانشهر تهران پرداخته است. در این تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی، هفت قلمرو فرعی مسکن برای کیفیت زندگی همچون امکانات، کیفیت و استحکام مسکن شناسایی شده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین دلایل مهاجرت به سکونتگاههای حاشیه‌ای تهران و قلمروهای فرعی مسکن کیفیت زندگی وجود دارد. گروسی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان به شناسایی سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی و ارتباط این دو متغیر در محلات مختلف شهر کرمان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که سطح سرمایه اجتماعی در دسترس با سطح کیفیت زندگی ارتباط معنی‌داری دارد و ارتباط این دو متغیر تابعی از سطح محله است؛ علاوه بر این، بالا نبودن سطح کیفیت زندگی در بین شهروندان تحت تأثیر سطح نسبتاً متوسط سرمایه اجتماعی ایشان است.

غفاری و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی مفهوم کیفیت زندگی در محتوای برنامه‌های توسعه در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در هیچ کدام از برنامه‌ها، امور رفاهی و اجتماعی به سطح سیاستگذاری ارتقاء نیافته‌اند و بیشتر از جایگاهی خدماتی برخوردار بوده‌اند و به مسائل اجتماعی از منظر

اقتصادی نگاه شده و برنامه‌ها در قبل و بعد از انقلاب تحت تاثیر الگوهای جهانی قرار داشته‌اند. رضوانی و همکاران (۱۳۸۷) برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی، چارچوبی مفهومی براساس نیازهای انسانی ارائه کرده‌اند که در آن پیوند مفهومی بین دو رویکرد عمده کیفیت زندگی - عینی و ذهنی - در نظر گرفته شده است. آنها نیازهای انسانی را در سه طبقه اصلی شامل: (۱) نیازهای اساسی (۲) نیازهای بهزیستی و (۳) نیازهای فرصت و فراغت، قرار داده و سپس برای هر کدام از طبقات سه گانه، قلمروها و معرّف‌های مورد نیاز را انتخاب کرده‌اند. نهایتاً قلمروهای مختلف زندگی با توجه به وزن نسبی شان با استفاده از یک مدل خطی تجمعی برای بدست آوردن کیفیت کلی زندگی با هم ترکیب شده‌اند. این روش نشان می‌دهد که افراد، رضایت و عدم رضایت در قلمروهای مختلف زندگی را برای رسیدن به یک احساس کلی از کیفیت زندگی با هم ترکیب می‌کنند. در این روش، کیفیت زندگی عبارت است از دو مقدار متمایز برای ارزیابی هر شاخص مربوط به نیازهای انسانی، که یکی میزان برآورده شدن عینی و ذهنی نیاز و دیگری اهمیت نسبی نیاز را مورد توجه قرار می‌دهد.

### روش‌شناسی تحقیق و منطقه مورد مطالعه

تحقیق حاضر در زمره مطالعات کمی قرار دارد که از نظر قابلیت اجرایی از نوع کاربردی، از حیث درجه نظارت و کنترل میدانی و از نظر ماهیت و روش به صورت توصیفی - تحلیلی، همبستگی و با رویکرد مقایسه‌ای می‌باشد. پژوهش، دارای دو قسمت کیفی و کمی می‌باشد که در قسمت کیفی به گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای متناسب با مبانی نظری و ادبیات تحقیق و در قسمت کمی به گردآوری داده‌های میدانی پرداخته شد. در این تحقیق، جهت پاسخگویی به سوالات، ابتدا به بررسی سطح کیفیت زندگی در دو بعد عینی و ذهنی با استفاده از ۳۲ معرف (جدول ۱) اقدام شده و سپس به تهیه و تنظیم ابزاری (پرسشنامه) برای گردآوری داده‌های میدانی پرداخته شد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون یومن ویتنی، آزمون t-test، آزمون فریدمن، ضریب همبستگی، واریانس و

رگرسیون خطی) بوده است. به این ترتیب به تجزیه و تحلیل رابطه میان ویژگی‌های فردی پاسخگویان و سطح کیفیت زندگی آنها و در انتها به تحلیل مهمترین عوامل محیطی موثر در کیفیت زندگی پاسخگویان در ۶ مولفه و ۲۴ معرف (جدول ۲) پرداخته شده است.

جدول ۱: مولفه‌ها و معرف‌های بررسی کیفیت زندگی در شهر کوهدشت

مولفه‌ها	معرف
کیفیت زندگی	جذاب و زیبا بودن محله، مناسب بودن محل زندگی جهت رشد فرزندان، رضایت از کیفیت امکانات آموزشی، رضایت از کیفیت امکانات بهداشتی، رضایت از درآمد، رضایت شغلی، رضایت از میزان دارایی‌ها، وضعیت اقتصادی همسایگان، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، احساس امنیت شغلی، احساس امنیت فردی، رضایت از وضعیت سلامتی اعضای خانواده، رضایت از روابط با همسایگان، احساس تعلق به محله، امید به آینده، قابل اعتماد بودن اهالی محله
بعد ذهنی	کیفیت مسکن از نظر مصالح به کار رفته، تجهیزات و امکانات مسکن نظیر حمام و دستشویی بهداشتی، نسبت افراد خانوار به مساحت واحد مسکونی، نسبت تعداد اتاق به تعداد افراد خانوار، پاکیزگی محیط اطراف واحد مسکونی، وجود آلودگی صوتی در محل زندگی، پاکیزگی محله، پیاده رو و خیابان‌ها، وجود روشنایی مناسب در محله و خیابان‌ها، وجود فضای سبز مناسب، چگونگی وضعیت خیابان از نظر تعمیر و نگهداری و زیبا سازی، رضایت از جمع آوری زباله، دسترسی به امکانات آموزشی، دسترسی به امکانات بهداشتی، دسترسی به مراکز خرید، دسترسی به امکانات حمل و نقل عمومی
بعد عینی	

منبع: نگارندگان

جامعه آماری تحقیق، خانوارهای ساکن شهر کوهدشت می‌باشند که برابر با سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ دارای ۲۷۴۸۰ خانوار بوده است. از آنجایی که واحد تحلیل در تحقیق حاضر، خانوارهای شهری می‌باشند، بنابراین تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه از ۲۷۴۸۰ خانوار با استفاده از فرمول کوکران (با میزان خطای ۰/۰۷) تعداد ۱۹۴ خانوار محاسبه شده و با توجه به سهم هر کدام از شهرکهای مورد مطالعه، پرسشنامه‌ها تکمیل شد.

#### محدوده مورد مطالعه

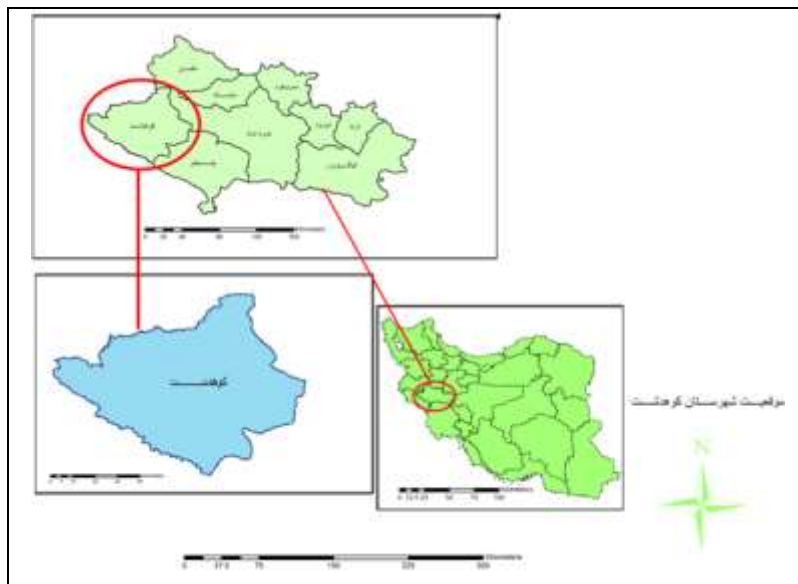
شهر کوهدشت در غرب استان لرستان و مرکز شهرستان کوهدشت می‌باشد. جمعیت این شهر بر طبق سرشماری ۱۳۹۰ بالغ بر ۱۱۱۷۳۶ نفر بوده است، که از این مقدار ۵۵۷۹۵ نفر مرد و ۵۵۹۴۱ نفر دیگر را زنان تشکیل می‌دهند. این جمعیت دارای ۲۷۴۸۰ خانوار می‌باشد. این شهر که در غرب استان و در ارتفاع ۱۱۸ متری از سطح دریا

قرار دارد، دارای آب و هوای معتدل کوهستانی بوده که از تابستانهای نسبتاً گرمی برخوردار است و همچنین به لحاظ موقعیت و دسترسی دارای فاصله ۹۴ کیلومتری از مرکز استان برخوردار می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰؛ سالنامه آماری استان لرستان، ۱۳۹۰: ۲۹). بر اساس همین آمار، تعداد جمعیت باسواد در این شهر ۸۴۶۰۰ نفر است که ۴۵۴۷۱ نفر از آنها را مردان باسواد و ۳۹۱۲۹ نفر از آنها را زنان باسواد تشکیل می‌دهند (موسسه گیتاشناسی، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

جدول ۲: مولفه‌ها و معرف‌های بررسی عوامل موثر بر کیفیت زندگی

معرف‌ها	عوامل
کیفیت مسکن از نظر مصالح به کار رفته، تجهیزات و امکانات مسکن نظیر حمام و دستشویی بهداشتی، نسبت افراد خانوار به مساحت واحد مسکونی، نسبت تعداد اتاق به تعداد افراد خانوار، پاکیزگی محیط اطراف واحد مسکونی	مسکن
مناسب بودن محل زندگی جهت رشد فرزندان، احساس امنیت فردی، وجود آلودگی صوتی در محل زندگی، پاکیزگی محله، پیاده رو و خیابان‌ها، وجود روشنایی مناسب در محله و خیابان‌ها	محیط شهری
جذاب و زیبا بودن محله، رضایت از کیفیت امکانات آموزشی، رضایت از کیفیت امکانات بهداشتی، وجود فضای سبز مناسب	کیفیت خدمات عمومی
چگونگی وضعیت خیابان از نظر تعمیر و نگهداری و زیبا سازی، رضایت از جمع آوری زباله، دسترسی به امکانات آموزشی، دسترسی به امکانات بهداشتی، دسترسی به امکانات ورزشی، دسترسی به مراکز خرید، دسترسی به امکانات حمل و نقل عمومی	دسترسی به خدمات عمومی
رضایت از درآمد، رضایت شغلی، رضایت از میزان دارایی‌ها، وضعیت اقتصادی همسایگان، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، احساس امنیت شغلی	وضعیت اقتصادی خانوارها
رضایت از وضعیت سلامتی اعضای خانواده، رضایت از روابط با همسایگان، احساس تعلق به محله، امید به آینده، قابل اعتماد بودن اهالی محله	بهبودی فردی

منبع: نگارندگان



شکل: موقعیت منطقه مورد مطالعه در کشور و استان

### یافته های تحقیق

تحلیل ویژگی های فردی پاسخگویان نشان می دهد، میانگین سنی این افراد برابر با ۳۴/۸ سال است. ۶۵ درصد پاسخ دهندگان مرد و ۳۵ درصد زن هستند، متوسط بعد خانوار در پاسخگویان برابر با ۴/۲ نفر است. از نظر سطح تحصیلات ۴/۳ درصد افراد بی سواد، ۶/۵ درصد سواد دوره ابتدایی، ۱۳ درصد سواد دوره راهنمایی، ۴۵/۷ درصد دیپلم، ۳۰/۷ درصد هم بالاتر از دیپلم بوده اند. از نظر وضعیت فعالیت ۲۱/۶ درصد افراد شاغل در بخش دولتی، ۶/۵ درصد شاغل در بخش کشاورزی، ۴۷/۸ درصد دارای شغل آزاد و ۱۹/۶ درصد که زنان پاسخگو را شامل می شده خانه دار بوده اند. بررسی وضعیت درآمدی پاسخگویان نشان می دهد، ۸/۶ درصد درآمد کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، ۱۶/۳ درصد درآمد ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۲۱/۷ درصد درآمد ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان و ۵۳/۳ درصد هم بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان درآمد داشته اند.

برای پاسخ به سوال اول پژوهش که در مورد وضعیت کیفیت زندگی از نظر شهروندان شهر کوهدشت می باشد، از آزمون t-test تک نمونه ای استفاده شده است.

از آنجایی که سنجش کیفیت زندگی از طریق دو بعد ذهنی و عینی امکانپذیر است، بنابراین ابتدا به تحلیل بعد ذهنی پرداخته شده است (جدول ۳).

جدول ۳: تحلیل وضعیت کیفیت زندگی در بعد ذهنی براساس تفاوت از حد مطلوب مبتنی بر آزمون

t تک نمونه ای

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۳						
مولفه ها		آماره آزمون t	درجه آزادی	خطا	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد پائین      حد بالا
جذاب و زیبا بودن محله		۴/۱۵۹	۹۱	۰	۰/۵۶۵۲۲	۰/۲۹۵۳      ۰/۸۳۵۲
مناسب بودن محل زندگی جهت رشد فرزندان		۴/۰۸۴	۹۱	۰	۰/۵۱۰۸۷	۰/۲۶۲۴      ۰/۷۵۹۳
رضایت از کیفیت امکانات آموزشی		۱/۹۱۷	۹۱	۰/۰۵۸	۰/۲۱۷۳۹	-۰/۰۷۹      ۰/۴۴۲۶
رضایت از کیفیت امکانات بهداشتی		-۲۴/۰۹۷	۵۲	۰	-۱/۷۳۵	-۱/۸۸۰۴      -۱/۵۹۱
رضایت از درآمد		۱/۵۸۸	۵۲	۰/۱۱۸	۰/۲۶۴۱	-۰/۰۶۹۷      -۰/۸۹۸
رضایت شغلی		-۴/۰۶۵	۵۲	۰	-۰/۷۳۵۸	-۱/۰۹۹      -۰/۲۷۲
رضایت از میزان دارایی ها		-۰/۹۴۲	۵۲	۰/۳۵۰	-۰/۱۶۹۸	-۰/۵۳۱      -۰/۱۹۱
وضعیت اقتصادی همسایگان		-۴/۰۶۹	۵۲	۰	-۰/۶۰۳۷	۰/۰۹۳۱      -۰/۳۰۶
توزیع عادلانه ثروت و درآمد		-۲۲/۸۸۸	۵۲	۰	-۱/۶۹۸	-۱/۸۴۷      -۱/۵۴۹
احساس امنیت شغلی		-۸/۵۰۳	۵۲	۰	-۱/۲۸۳	-۱/۵۸۵      -۰/۹۸۰
احساس امنیت فردی		۱۲/۷۲۸	۹۱	۰	۱/۱۷۳۹	۰/۹۹۰۷      ۱/۳۵۷۱
رضایت از وضعیت سلامتی اعضای خانواده		۱۱/۱۰۶	۹۱	۰	۱/۳۰۴۳	۱/۰۷۱۱      ۱/۵۳۷۶
رضایت از روابط با همسایگان		۱۰/۵۶۳	۹۱	۰	۱/۲۵۰۰	۱/۰۱۴۹      ۱/۴۸۵۱
احساس تعلق به محله		۹/۴۲۷	۹۱	۰	۱/۰۸۶	۰/۸۵۷۹      ۱/۳۱۶۰
امید به آینده		۸/۶۲	۹۱	۰	۰/۹۶۷۳	۰/۷۴۵۰      ۱/۱۸۹۷
قابل اعتماد بودن اهالی محله		۱۱/۶۳۶	۹۱	۰	۱/۱۷۳۹	۰/۹۷۳۵      ۱/۳۷۴۳

منبع: یافته های تحقیق

تحلیل معرف‌های مورد نظر جهت تحلیل وضعیت کیفیت زندگی در بعد ذهنی و در میان خانوارهای شهر کوه‌دشت، براساس آزمون t تک نمونه‌ای، نشان دهنده پائین بودن سطح کیفیت زندگی این خانوارها در ۸ معرف از مجموع ۱۶ معرف این بعد می‌باشد. با احتساب دامنه طیفی مورد بررسی که بین ۱ تا ۵ و براساس طیف لیکرت در نوسان است، نتایج نشان می‌دهد مولفه‌های جذاب و زیبا بودن محله، مناسب بودن محل زندگی جهت رشد فرزندان، احساس امنیت فردی، رضایت از وضعیت سلامتی اعضای خانواده، رضایت از روابط با همسایگان، احساس تعلق به محله، امید به آینده و قابل اعتماد بودن اهالی محله، بالاتر از حد متوسط ارزیابی و بقیه معرف‌ها کمتر از حد متوسط ارزیابی شده‌اند. این تفاوت در سطح خطای مجاز ۰/۰۵ درصد با معناداری ۰/۹۵، نشان می‌دهد

که تفاوت مولفه‌ها از لحاظ مطلوبیت عددی مورد آزمون، به شکل منفی می‌باشد. به طور کلی می‌توان چنین دریافت که شهروندان از کیفیت زندگی عینی در شهر کوهشدت رضایتمندی پایینی دارند.

در قسمت دوم سؤال اول پژوهش به بررسی وضعیت کیفیت زندگی خانوارهای مورد مطالعه در بعد عینی پرداخته شده است (جدول ۴).

جدول ۴: تحلیل وضعیت کیفیت زندگی در بعد عینی براساس تفاوت از حد مطلوب مبتنی بر آزمون

t تک نمونه ای

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۳					
مولفه ها	آماره آزمون t	درجه آزادی	خطا	تفاوت	
				میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
				حد پائین	حد بالا
کیفیت مسکن از نظر مصالح به کار رفته	۱۵/۸۰۷	۹۱	۰	۱/۳۴۷۸	۱/۱۷۸
تجهیزات و امکانات مسکن نظیر حمام و دستشویی بهداشتی	۱۳/۲۹۸	۹۱	۰	۱/۴۸۹۱	۱/۲۶۶
نسبت تعداد اتاق به تعداد افراد خانوار	۸/۳۲۱	۹۱	۰	۰/۸۵۸۷	۰/۶۵۳
پاکیزگی محیط اطراف واحد مسکونی	-۲۴/۰۹۷	۵۲	۰	-۱/۷۳۵	-۱/۸۸۰۴
نبود آلودگی صوتی در محل زندگی	۴/۹۱۷	۹۱	۰	۰/۵۶۵۲	۰/۳۳۶
پاکیزگی محله، پیاده رو و خیابان ها	-۴/۰۶۵	۵۲	۰	-۰/۷۳۵۸	-۱/۰۹۹۶
وجود روشنایی مناسب در محله و خیابان ها	۷/۷۳۷	۹۱	۰	۰/۸۰۴۳	۰/۵۹۷
وجود فضای سبز مناسب	-۴/۰۶۹	۵۲	۰	-۰/۶۰۳۷	-۰/۹۰۱
چگونگی وضعیت خیابان از نظر تعمیر و نگهداری و زیبا سازی	-۰/۷۰۵	۹۱	۰/۴۸۳	-۰/۰۸۶۹	-۰/۳۳۱
رضایت از جمع آوری زباله	۱/۷۹۴	۹۱	۰/۰۷۶	۰/۲۳۹	-۰/۰۲۵۶
دسترسی به امکانات آموزشی	-۹/۹۷۱	۵۲	۰	-۱/۲۶۴	-۱/۵۱۸۶
دسترسی به امکانات ورزشی	۰/۳۹۸	۹۱	۰/۶۹۱	۰/۰۴۳	-۰/۱۱۷۳
دسترسی به مراکز خرید	-۲/۸۳۶	۵۲	۰/۰۰۶	-۰/۵۰۹۴	-۰/۸۶۶
دسترسی به امکانات حمل و نقل عمومی	-۴/۱۳۵	۵۲	۰	-۰/۷۵۴۷	-۱/۶۵۵۸
نسبت افراد خانوار به مساحت واحد مسکونی	۸/۹۸۸	۹۱	۰	-۰/۹۲۳۹	۰/۷۱۹

منبع: یافته های تحقیق

تحلیل معرف‌های مورد نظر جهت تحلیل وضعیت کیفیت زندگی در بعد عینی، براساس آزمون t تک نمونه‌ای نشان دهنده پائین بودن سطح کیفیت زندگی این خانوارها در ۹ معرف از مجموع ۱۵ معرف می‌باشد. با احتساب دامنه طیفی مورد بررسی که بین ۱ تا ۵ و براساس طیف لیکرت در نوسان است، نتایج نشان می‌دهد، مولفه‌های کیفیت مسکن از نظر مصالح به کار رفته، تجهیزات و امکانات مسکن نظیر حمام و دستشویی بهداشتی، نسبت تعداد اتاق به تعداد افراد خانوار، نبود آلودگی صوتی در

محل زندگی، وجود روشنایی مناسب در محله و خیابانها و نسبت افراد خانوار به مساحت واحد مسکونی بالاتر از حد متوسط ارزیابی و بقیه معرفها کمتر از حد متوسط ارزیابی شده‌اند. این تفاوت در سطح ۰/۰۵ درصد معنادار و تفاوت مولفه‌ها از مطلوبیت عددی مورد آزمون، به شکل منفی می‌باشد. به طور کلی نتایج مربوط به کیفیت عینی زندگی در شهر کوهدشت از نظر شهروندان با اطمینان ۰/۹۵ درصد نشان دهنده پایین بودن کیفیت نسبی زندگی در این شهر می‌باشد.

با توجه به نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای سنجش کیفیت زندگی در شهر کوهدشت از نظر شهروندان مشخص شد که کیفیت زندگی در این منطقه از نظر هر دو بعد ذهنی و عینی در سطح پائینی قرار دارد به گونه‌ای که از مجموع ۳۱ معرف مورد بررسی، ۱۷ معرف پایین‌تر از سطح مطلوبیت عددی قرار داشته‌اند و بنابراین می‌توان میزان کیفیت زندگی در این منطقه را در حد متوسط و یا پایین‌تر از متوسط بیان کرد. در ادامه برای مقایسه کیفیت ذهنی و عینی از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده شده است (جدول ۵).

جدول ۵: آزمون فریدمن جهت مقایسه رتبه‌های ابعاد کیفیت زندگی

ابعاد	تعداد	میانگین رتبه‌ای	درجه آزادی	خی-دو	خطا
بعد ذهنی	۱۹۴	۲/۴۱	۱	۳۸	۰
بعد عینی	۱۹۴	۲/۷۲			

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج مقایسه آزمون رتبه‌ای فریدمن نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های مربوط به بعد عینی کیفیت زندگی نسبت به بعد ذهنی از وضعیت بهتری برخوردار است، نتایج حاصله با سطح خطای ۰/۰۰۱ و اطمینان ۰/۹۹ درصد بدست آمده است.

در ادامه تحقیق به بررسی رابطه میان سطح کیفیت زندگی خانوارهای مورد مطالعه و ویژگی‌های فردی پاسخگویان از قبیل سن، تحصیلات، تعداد افراد خانوار، مدت زمان سکونت در شهر کوهدشت و میزان درآمد، با استفاده از رگرسیون خطی پرداخته شده



است. بررسی رابطه میان ویژگی‌های فردی پاسخگویان و سطح کیفیت زندگی آنها نشان می‌دهد که میان میزان درآمد و سطح کیفیت زندگی در سطح معناداری ۰/۹۹ درصد رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش میزان درآمد خانوارهای شهری، زمینه‌های مربوطه برای سطح کیفیت زندگی خانوارهای مورد مطالعه افزایش پیدا می‌کند. همچنین بررسی رابطه میان کیفیت زندگی با متغیر تعداد افراد خانوار نیز با مقدار معناداری ۰/۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد، بنابراین، این نتیجه حاصل می‌شود که بین کاهش تعداد افراد خانوار با افزایش زمینه برای رشد کیفیت زندگی شهروندان در شهر کوهدشت رابطه وجود دارد.

جدول ۶: رگرسیون خطی برای بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی پاسخگویان با کیفیت زندگی

متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	مقدار T	خطا
	مقدار B	خطای استاندارد			
مقدار ثابت	۲/۳۷	۰/۴۷۱	-	۵/۰۴۳	۰
سن	-۰/۰۴۳	۰/۰۵۸	-۰/۰۷۵	-۰/۷۳۹	۰/۴۶۲
تحصیلات	۰/۰۵۹	۰/۰۵۷	۰/۱۰۷	۱/۰۲۱	۰/۳۱۰
تعداد افراد خانوار	۰/۱۵۷	۰/۰۷۷	۰/۲۱۷	۲/۰۴۳	۰/۰۴۴
مدت زمان سکونت	۰/۰۲۵	۰/۰۶۶	۰/۰۴۱	۰/۳۸۳	۰/۷۰۳
میزان درآمد خانوار	۰/۱۷۷	۰/۰۵۲	۰/۳۴۷	۳/۳۷	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق \* کیفیت زندگی متغیر مستقل

در ادامه و در راستای پاسخگویی به سوال سوم تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر همین مبنا فاکتورهای موثر بر کیفیت زندگی خانوارهای شهر کوهدشت و میزان کیفیت زندگی این خانوارها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده از این آزمون نشان می‌دهد، از میان ۶ فاکتور مورد بررسی فاکتورهای مسکن، محیط شهری، کیفیت خدمات عمومی و وضعیت اقتصادی خانوارها، با میزان کیفیت زندگی شهروندان دارای همبستگی بوده‌اند. در این میان بیشترین ضریب همبستگی مربوط به وضعیت اقتصادی خانوارها با ضریب همبستگی ۰/۲۴۷ بوده که ضریب مذکور بیشترین تأثیر را در تغییر سطح کیفیت زندگی خانوارهای شهری داشته است.

جدول ۷: همبستگی پیرسون برای معناداری رابطه بین فاکتورهای تحقیق با میزان کیفیت زندگی در شهر کوهدشت

آماره	مسکن	محیط شهری	کیفیت خدمات عمومی	دسترسی به خدمات	وضعیت اقتصادی خانوارها	بهبودی فردی
همبستگی پیرسون	* ۰/۲۴۰	۰/۲۱۲	* ۰/۲۴۴	۰/۱۱۲	* ۰/۲۴۷	۰/۱۶۵
مقدار معناداری	۰/۰۲۱	۰/۰۴۲	۰/۰۱۹	۰/۲۸۹	۰/۰۱۸	۰/۱۱۶
تعداد	۱۹۴	۱۹۴	۱۹۴	۱۹۴	۱۹۴	۱۹۴

منبع: یافته‌های تحقیق \* معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ \*\* معناداری در سطح خطای ۰/۰۰۱

### بحث و نتیجه گیری

نواحی شهری، مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در هر کشوری هستند که خود را به عنوان جذابترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند؛ اما نواحی شهری کشورمان با چالشهای مهمی در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، کمبود مسکن و ترافیک روبرو هستند که این مشکلات، کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهند. در همین راستا در تحقیق حاضر به تحلیل عوامل موثر بر کیفیت زندگی در نواحی شهری با مطالعه موردی شهر کوهدشت از توابع استان لرستان پرداخته شد. برای پاسخگویی به مسائل مربوط به کیفیت زندگی در این شهر به طرح سه سوال اقدام شد که داده‌های مورد نیاز بر دو اساس مطالعه کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی از ۱۹۴ خانوار پاسخگو به پرسشنامه‌های پژوهش گردآوری شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، از نظر وضعیت کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه و در بعد ذهنی، تحلیل معرف‌های مورد نظر جهت تحلیل وضعیت کیفیت زندگی در میان خانوارهای مورد مطالعه، براساس آزمون t تک نمونه‌ای نشان دهنده پائین بودن سطح کیفیت زندگی این خانوارها در ۸ معرف از مجموع ۱۶ معرف می‌باشد. همچنین در ادامه، تحلیل معرف‌های مورد نظر جهت تحلیل وضعیت کیفیت زندگی در بعد عینی، براساس آزمون t تک نمونه‌ای نیز نشان دهنده پائین بودن سطح کیفیت زندگی این خانوارها در ۹ معرف از مجموع ۱۵ معرف می‌باشد. بنابراین نتایج کلی حاصل از این آزمون مشخص شد که سطح کیفیت زندگی در شهر کوهدشت در هر دو بعد مورد بررسی در حد متوسط و حتی پایین‌تر از آن می‌-

باشد، همچنین مقایسه این دو بعد نشان داد که بعد عینی نسبت به بعد ذهنی از وضعیت بهتری برخوردار می‌باشد که با شواهد و قرائن موجود که توسط نگارنده کسب شده همخوانی بسیار زیادی دارد.

در ادامه تحقیق به بررسی رابطه میان سطح کیفیت زندگی خانوارهای مورد مطالعه و ویژگی‌های فردی پاسخگویان از قبیل سن، تحصیلات، تعداد افراد خانوار، مدت زمان سکونت و میزان درآمد و با استفاده از رگرسیون خطی پرداخته شد که یافته‌های حاصله نشان دهنده این امر بود که با افزایش میزان درآمد شهروندان، زمینه‌های سطح کیفیت زندگی خانوارهای مورد مطالعه در شهر کوهدشت افزایش پیدا می‌کند. همچنین بین فاکتورهای موثر بر کیفیت زندگی در منطقه مورد مطالعه با میزان کیفیت زندگی سنجش شده در تحقیق، از رابطه همبستگی پیرسون استفاده شد که عامل مسکن، کیفیت ارائه خدمات و وضعیت اقتصادی خانوارها با کیفیت زندگی رابطه معناداری داشتند.

مقایسه نتایج یافته‌های تحقیق با تحقیقات لی و ونگ (۲۰۰۷)، فو (۲۰۰۰)، برامسون و همکاران (۲۰۰۲)، ابراهیم و چانگ (۲۰۰۳) در مورد تأثیر گذاری شاخص‌های بعد ذهنی شامل احساس امنیت شغلی، احساس امنیت فردی، حس تعلق به محله و توزیع عادلانه ثروت و درآمد بر کیفیت زندگی شهروندان همسو می‌باشد. نتایج یافته‌های تحقیق در مورد تأثیر گذاری بیشتر شاخص‌های بعد عینی نسبت به بعد ذهنی با یافته‌های مطالعه داس (۲۰۰۸) همسو و یکسان می‌باشد. همچنین از آنجایی که پژوهش حاضر شاخص-های هر دو بعد عینی و ذهنی را مورد بررسی قرار داده، با مطالعات مک کرا و همکاران (۲۰۰۶)، هیگز (۲۰۰۷)، برتون و همکاران (۲۰۰۸) و روجاس (۲۰۰۸) از لحاظ روش-شناسی و انتخاب مولفه‌ها هم ردیف می‌باشد.

در پایان این نتیجه حاصل شد که مهمترین فاکتور اثر گذار بر کیفیت زندگی در شهر کوهدشت "وضعیت اقتصادی خانوارها" می‌باشد که دارای معرف‌های «رضایت از درآمد، رضایت شغلی، رضایت از میزان دارایی‌ها، وضعیت اقتصادی همسایگان، توزیع

عادلانه ثروت و درآمد، احساس امنیت شغلی» از متغیرهای اصلی و اثرگذار آن به حساب می‌آیند.

## منابع

۱. استانداری لرستان (۱۳۹۰) سالنامه آماری استان لرستان.
۲. اوتق، نازمحمد (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین سرمایه های اجتماعی و کیفیت زندگی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی تهران.
۳. پور جعفر، محمدرضا، افشین کوبی و علی اکبر تقوایی (۱۳۸۴) بررسی کیفیت زندگی در مراکز شهرها، جستارهای شهرسازی، جلد ۵۰.
۴. حریرچی، امیر محمود (۱۳۸۸) چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس، فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۹۹-۱۱۲.
۵. خواجه شاهکوهی، علیرضا، شهرام مهدوی، فرشاد سوری و رضا صمدی (۱۳۹۱) ارزیابی و سنجش شاخص های ذهنی کیفیت زندگی شهری؛ مطالعه موردی: شهر کاشان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۹۱، صص ۲۹۶-۲۸۵.
۶. رضوانی، محمد رضا و حسین منصوریان (۱۳۸۷) سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص ها و مدل ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی؛ فصلنامه روستا و توسعه؛ سال ۱۱؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۸۷.
۷. رضوانی، محمد رضا، علی اکبر متکان، حسین منصوریان و محمد حسین ستاری، (۱۳۸۸)، توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی شهر نورآباد استان لرستان، مجله مطالعات و پژوهش های شهری، سال اول، شماره دوم.
۸. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۷) بررسی قلمرو مسکن، کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در سکونتگاههای حاشیه کلانشهر تهران، پروژه: برنامه ظرفیت سازی شهرداری ها در طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
۹. غفاری، غلامرضا، امیدی، رضا، ۱۳۸۷، کیفیت زندگی در برنامه های عمرانی و توسعه ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
۱۰. قربانی، رسول و راضیه تیموری (۱۳۸۹) تحلیلی بر نقش پارک های شهری در ارتقای کیفیت زندگی شهری با استفاده از الگوی: Seeking-Escaping نمونه موردی: پارک های شهری تبریز، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲.

۱۱. گروسی، سعیده، علی نقوی (۱۳۸۷) سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
۱۲. لطفی، صدیقه (۱۳۸۸) مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف؛ ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری؛ فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال اول؛ شماره چهارم؛ دانشگاه تهران.
۱۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، نتایج کلی سرشماری سال ۱۳۹۰.
۱۴. موسسه گیتاشناسی (۱۳۹۱) اطلس گردشگری کشور، شماره ۲۳، استان لرستان.
۱۵. نوغانی، محسن، احمدرضا اصغرپور ماسوله، شیما صفا، مهدی کرمانی (۱۳۸۹) کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۱.
۱۶. وظیفه دوست، حسین و مهدی امینی (۱۳۸۸)، بررسی میزان اهمیت شاخص‌های کیفیت زندگی شهری تهران؛ از دیدگاه مدیران و متخصصان مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱.

17. Kamp, I., K, Van, Leidelmeijer, K., Marsman, G. and de Hollander, A., (2003) Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2): 5-18.
18. Das, D., (2008) Urban quality of life: A case study of Guwahati, *Social Indicators Research*, 88: 297-310.
19. Foo, T.S., 2000, Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997- 1998), *Habitat International*, 24(1): 31-49.
20. Lee, Y.-J., (2008) Subjective quality of life measurement in Taipei, *Building and Environment*, 43(7): 1205-1215.
21. Pukeliene, Violeta, Viktorija Starkauskiene, (2009) Quality of Life: Factors Determining its Measurement Complexity, *Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics*, 2011, 22(2), 147-156.
22. Bonnke, P., (2007) Does society matter life satisfaction in the enlarged Europe. *Social Indicators Research*. P189-210.
23. Frey, B.S., Stutzer A. (2002), *Happiness & Economics*, Princeton University Press, Princeton and Oxford.
24. Stiglitz, J., Sen. A., Fitoussi, B. (2009). *Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress*, [www.stiglitz-sen-fitoussi.fr](http://www.stiglitz-sen-fitoussi.fr). (last access: June 2010).
25. Kharazmi. Sh., (2005) Quality of Life and Digital Era Requirement of Iran, *Journal the Word*
26. of Economics, pp.2-4.
27. Dissart, J. Deller, S. (2000). "Quality of Life in the Planning Literature". *Journal of Planning Literature*, 15: 135-161.
28. Romney, David M., Roy I. Brown, and Prem S. Fry. (1994). Improving the quality of life: Prescriptions for change. *Social Indicators Research*. 33: 237-72.

29. Ulengin, B. Ulengin, F. Guvenc, U. (2001). "A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul". *European Journal of Operational Research*, 130: 361-374.
30. Sirgy, J., Rahtz, D. R., Cicic, M., & Underwood, R. (2000). A method for assessing residents' satisfaction with community-based services: A quality-of-life perspective. *Social Indicators Research*, 49, 279-316. doi:10.1023/A:1006990718673.
31. Sirgy, J., & Cornwell, T. (2002). How neighborhood features affect quality of life. *Social Indicators Research*, 59, 79-114. doi:10.1023/A:1016021108513.
32. Epley, D., & Menon, M. (2008). A method of assembling cross-sectional indicators into a community quality of life. *Social Indicators Research*, 88(2), 281-296.
33. McCrea, R., Shyy, T.-K. and Stimson, R., (2006) What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?, *Applied Research in Quality of Life*.
34. Ibrahim, M. and Chung, W., (2003) Quality of life of residents living near industrial estates in Singapore, *Social Indicators Research*, 61: 203-225.
35. Highs (2007), *City of Winnipeg Quality of Life Indicators*, In Sirgy, M. J., Rahtz, D., and Swain, D. [eds] *Community Quality of Life Indicators: Best Cases 2*, Springer, pp.127-176.
36. Tuan Seik, (2000) ,Quality of life of residents living near industrial estates in Singapore, *Social Indicators Research*, NO. 61.
37. Brereton, F., Clinch, J.P. and Ferreira, S., (2008) Happiness, geography and the environment, *Ecological Economics*, NO.65 (2).
38. Li, G. and Weng, Q., (2007) Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data, *International Journal of Remote Sensing*, NO. 28(2).
39. Bramston et al (2002) , A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life, *Social Indicators Research*, NO. 88.
40. Rojas, M., (2008) Experienced Poverty and Income Poverty in Mexico: A Subjective Well-Being Approach, *World Development*, NO. 36(6).
41. Santos, L. and Martins, I., (2007) Monitoring Urban Quality of Life: The Porto experience, *Social Indicators Research*, NO. 80.
42. Cascante (2010) Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, *Ecological Economics*, NO. 61(2-3).
43. Rezvani, Mohammadreza, Shakiba, Alireza, Mansourian, Hossein, 2008, Measurement of quality of life in rural areas, *social welfare quarterly*, 8(30 - 31), 35-59.